

کتاب «آفرینش رستم» منتشر شد

کتاب « آفرینش رستم» به روایت علی نیکویی شامل جلد یکم داستان های شاهنامه فردوسی (از پادشاهی کیومرث تا دوران کی کاووس) منتشر شد.

در این کتاب داستان های کیومرث، هوشنگ، جمشید، ضحاک، شهرناز و ارنواز، کاوه، فریدون، شاه جهان، فرانک، سه شاهزاده، سلم و تور، ایرج، ماه آفرید، هامون، منوچهر، قارن، سام، سیمرغ، زال، زالباستان، مهراب، رودابه، دستان، سیندخت و کابلستان را می خوانیم.

برشی از کتاب

« چون ملازمان رودابه به کاخ بازگشتند، دربان کاخ به آن ها نندی کرد و از گل های دشتستان پرسید! ایشان گفتند بهار آمده و دشت و صحرا به گل نشسته، ما هم برای سرورمان از دشت گل چیدیم. نگهبان برآشفّت و گفت زال پهلوان از سیستان به سوی کابل آمده، زیبا نیست که دختران کاخ شاه کابل را در دشت و صحرا ببینند! دختران با ترفندهای زنانه از بند دربان بگذشتند و به نزد رودابه آمدندوگل هاوییشکش هادر مقابل اوپنهاند. رودابه روی به آن ها گفت :بگوید چه دیدیدوچه کردید؟ دختران زبان به سخن گشودند که جوانی بود پهلوان و شاه نشان ، قدی بلند و میانه ای باریک و سینه ای پهن، لبانش به رنگ ققیق و صورتش سرخ و بازوانش ستبر. موهایش سپید که گر سپید نبود، چنین زیبایی بود. پس ماامشب او را برای تو مهمان کردیم؛ اینکه تو در فکر مهمان داری خود باش. رودابه که این بشنید، خندان شد و خرسند دستور داد تا خانه اش را بیاریند و زینت دهند و منتظر شب هنگام گشت، چون خورشید تابنده ناپیدا شد و شب رسید.

رودابه خادمی نزد زال فرستاد تا او را به کاخ راهنمایی کند و خود به بام کاخ رفت، چون زال ازدور هویداشد، رودابه او را آواز گرم داد و درود گفت و ستایش کرد؛ زال چون سر به بالا کرد، بر بام، خورشید را دید...»!

پاین اثر را انتشارات میراث اهل قلم در ۱۷۶ صفحه و با قیمت ۱۷۵ هزار تومان منتشر کرده است.

دنگ

یک پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی:

شناخت خاقانی دریچه‌ای به ادبیات کهن



سعید مـهـدوی فر، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، خاقانی را شاعری می داند که جاذ به های بسیاری برای نسل جدید دارد و می تواند دریچه ای به شناخت بهتر ادبیات کهن باشد، به شرط اینکه استادان دانشگاه، دانشجویان و پژوهشگران بتوانند

او را ر آن طور که هست، بررسی و معرفی کنند. نویسنده کتاب « خاقانی نامه» در گفت وگو با ایسنا در پاسخ به اینکه چرا سراغ خاقانی که از شاعران کمترشناخته شده است رفته، گفته است؛ بله، متأسفانه به خاقانی کمتر توجه شده است که بخشی به شعر و سخن خاقانی برمی گردد و درصدی نیز به شخصیت خاص شاعر. شعر خاقانی شعری دشوار و سنگین است و نثر او نیز سخت تر از شعرش است. بنابراین خیلی ها نتوانسته اند آشنایی چندانی با او پیداکنند. ارتباط من با این سخنور بزرگ از جایی آغاز شد که دربی تحلیل صورخیال دیوان او بودم و پایان نامه دوره کارشناسی ارشد را بدان اختصاص دادم. این رساله در سال ۱۳۹۳ برگزیده جشنواره فارابی شد و در سال ۱۳۹۵ با عنوان «فرهنگ نامه صور خیال در دیوان خاقانی» در قالب کتابی سه جلدی توسط انتشارات زوار منتشر شد. مهدوی فردبرابه اینکه شعرخاقانی برای انسان امروز چه حرفی برای گفتن دارد، توضیح داد؛ اگر بخواهیم به اهمیت سخن خاقانی بپردازیم، باید آثارش را از چند نقطه نظرتبیین وتحلیل کنیم. خاقانی شاعری است که از نظر فنون شعری و ادبی در مرتبه بلندی قرار دارد. متأسفانه به کارکردها و رموزارزهای هنری خاقانی نیز چندان توجه نمی شود و اثر خاصی دراین زمینه نداریم. البته سعی کرده ام در مقالاتم برخی شیوه های نو و شگردهای بدیع سخنوری او را تبیین وتحلیل کنم. دومین چیزی که در شعر خاقانی می تواند مهم باشد، پشتوانه های فرهنگی است. دیوان خاقانی دریایی از اطلاعات گوناگون در زمینه دانش هایی مثل طب، نجوم، تاریخ، جغرافیا، ادیان، کلام، فلسفه و... است؛ بنابراین می تواند دریچه ای روشن به گذشته باشد.

اوسیس افروز، شخصیت خاقانی هم مهم است؛ خاقانی یک شاعر معناگرا و دارای فکری خاص مانند مولانا و عطار و خیام نیست، اما شاعری است در اوج احساسات. او توانسته است احساساتش را به خوبی در شعرش به تصویر بکشد، گاه در سوگ فرزندش مویه کرده، گاه دشمنان را هجوگفته و در جای دیگر به ستایش ممدوحش زده است. خاقانی غزلیات لطیفی نیز دارد که عمدتا به عشق و معشوق پرداخته است. این پژوهشگر گفت: مطالعه دیوان خاقانی چنان که بزرگان ادب فارسی گفته اند، مصداق این تعبیر است: « چون صد آید نود هم پیش ماست». اگر دیوان خاقانی را خوب مطالعه کنید و بتوانید ارتباطی شایسته با این متن بگیرید، می توانید متون دیگر را بهتر و دقیق تر بخوانید.

زین قدیر

● **ناوبراسته**✖

او در ملاء عام به منشاء حرف هایش اشاره کردو توضیحات بیشتری داد.

● **وبراسته**✔

او در ملاء عام به منشأ حرف هایش اشاره کردو توضیحات بیشتری داد.

● **نکته**

اگر حرف پیش از همه زبانی فحده داشته باشد،همزه روی کرسی را نوشته می شود.

#زین-قدیرپارسی

در مراسم پایانی هفتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی عنوان شد

جایزه‌ای که جور کم‌کاری نهادهای دولتی را می‌کشد



برداریم و اجازه دهیم ناامیدی ما را منفعل کند. اگرچه امروز حفظ امید کار ساده ای نیست.

● درباره جایزه ابوالحسن نجفی و برگزیدگان آن جایزه ابوالحسن نجفی از سال ۱۳۹۵ و هر سال برگزار می شود. (به جز سال ۱۳۹۸ که در این سال برگزار نشد). این جایزه در راستای احترام و پاسداشت خدمات زنده یاد ابوالحسن نجفی به فرهنگ و ادب و عرصه ترجمه این مرزوبوم، به بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستان کوتاهی که در یک سال گذشته منتشر شده است، اهدا می شود.

برگزیدگان این جایزه درادوار برگزاری به شرح زیراست:
سال ۱۳۹۵. نخستین دوره: آبتین گلکار برای ترجمه «آشیانه اشراق»، نوشته ایوان تورگنیف.
نشر ماهی
سال ۱۳۹۶. دومین دوره: محمد همتی برای ترجمه «مارش رادتسکی»، نوشته یوزف روت، نشر نو
سال ۱۳۹۷. سومین دوره: زینب یونسی برای ترجمه «رلیخاچشم هایش را باز می کند»، نوشته گوزل یاخینا، نشر نیلوفر

سال ۱۳۹۹. چهارمین دوره: محمدرضا ترک تتاری برای ترجمه «استادپترزبورگ»، نوشته جی.ام. کوتسی، نشر ماهی

سال ۱۴۰۰. پنجمین دوره: احمد پرهیزی برای ترجمه «ح ح ح»، دشته لوران بینه.
نشر ماهی
نشر دوستی
برای ترجمه «بیداری»، نوشته کیت شوین.
نشر بیدگل
سال ۱۴۰۱. ششمین دوره: نگرس قنديل زاده برای ترجمه «دروازه خورشید» نوشته الیاس خوری (در این دوره از فرید دبیر مقدم برای ترجمه «روز ملخ» نوشته ناتانیل وست و حایه پدram برای ترجمه «در جست وجوی یک پیوند» نوشته کارسون مکالرز نیز تقدیر شد).

گفت وگو با شمس الحق آر یانفر، مسؤل دفتر فرهنگی بنیاد مسعود، درباره رفتار طالبان با زبان فارسی و کاری که ایران می تواند بکند

جز مقاومت فرهنگی در برابر طالبان راهی نداریم

پیشبرد اهداف خود که یکی از آن ها ناآرام کردن ایران و ایجاد مزاحمت برای روسیه است، استفاده کند.

● چه مسئولیتی برای دولت های کشورهای فارسی زبان دیگر که تهدید طالبان برای زبان فارسی را چندان جدی نگرفته اند، قائل هستید؟

یکی از کارهایی که دولت ایران می تواند با استفاده از نفوذی که بر طالبان دارد انجام دهد، این است که حداقل به آن ها توصیه کند که فارسی زبان بدنه بزرگی از یک کشور و زبان دوم جهان اسلام است و ما هم در این زمینه دغدغه داریم. گذشته از این، جمهوری اسلامی در ایران باید بداند که با مرگ فارسی، تشیع هم از افغانستان خواهد رفت.

در افغانستان امروز که طالبان اعلامی ادعای دوستی با جمهوری اسلامی ایران را هم دارد، در هر هفته شاهد یک تا دو انفجار در جمع شیعیان هستیم. این حملات در مکان هایی مانند مدرسه، دانشگاه یا محل زندگی شیعیان در افغانستان انجام می شود و نه در محل هایی که ادعا کنند اعتراض هایی علیه طالبان در آن ها در جریان بوده است. کار دیگری که جمهوری اسلامی ایران می تواند انجام دهد، این است که فرصت هایی را برای نهادهای فرهنگی که در ایران فعال هستند، ایجاد کنند. اکنون قریب به شش تاهفت میلیون افغانستانی در ایران هستند و جمهوری اسلامی می تواند فرصت شکل گیری نهادهای فرهنگی برای این افراد را فراهم کند.

جمهوری اسلامی می تواند برای چاپ کتاب تسهیلاتی را برای افغانستانی های مقیم ایران فراهم کند. طالبان اخیرا در افغانستان جمع آوری کتاب های فارسی را آغاز و در یکی از تازه ترین این موارد ۴۰ هزار کتاب را در یک روز جمع آوری کرده اند. طالبان این کتاب های فارسی را غیراسلامی خوانده و باید گفت که موضوع بیشتر این کتاب ها هم مذهب تشیع بوده است. یکی از کارهای دیگری که ایران می تواند انجام دهد، فعال سازی یک دانشگاه مجازی برای افغانستانی هاست. فرضا اگر ۱۰ میلیون دختر داخل افغانستان با آمدن طالبان از شرکت در دانشگاه محروم شده اند، می توانند در این دانشگاه های مجازی ثبت نام و شرکت کنند.

● محدودیت دایره لغات مترجم باعث خسته کنندگی اثر می شود

آبتین گلکار، مترجم زبان روسی و از اعضای هیئت داوران این جایزه، از نیما حضرتی، مترجم جوان تازه از دنیا رفته و ترجمه او از مجموعه داستان «قصه های آشوب» نوشته جوزف کنراد یاد کرد و حضرتی را مترجمی با نثری پخته و دایره لغات گسترده دانست.

او در ادامه به ویژگی های ترجمه حضرتی پرداخت؛ حضرتی در این ترجمه نشان داده مجموعه واژگان گسترده ای در دست دارد و هر کلمه بیگانه چند معادل فارسی داشته و از میان آن ها انتخاب کرده است. خیلی از جاهای کتاب شاهد این هستیم که کلمات خیلی فاخر در کنار کلمات عامیانه تر می آید. چیزی که در ظاهر باعث یکدست نبودن نثر می شود، اما اتفاقا در داستان خیلی جالب و یکدست از آب درآمده است. این کار مرایاد شعرهای شاملی می اندازد که او هم این کار را می کرد و کلمات بسیار عامیانه را در کنار کلمات فاخر می گذاشت و قشنگ بود. خیلی ها از او تقلید می کردند که قشنگ نمی شد و در متن دست انداز ایجاد می کرد. در متن حضرتی این اتفاق افتاده است و استفاده از واژه های گوناگون به متن ادبیت می بخشد. آبتین گلکار سپس خاطرنشان کرد: متأسفانه در آثار مترجمان جوان تر معمولا یک سطح واژه را می بینیم که باعث می شود اثر حالتی یکنواخت و خسته کننده پیدا کند. اما زمانی که مترجم کلمات بیشتری در اختیار دارد، از میان آن ها انتخاب می کند و نتیجه کار بهتر می شود.

● نباید اجازه دهیم ناامیدی ما را منفعل کند میرمعزی، برنده جایزه ویژه هیئت داوران هفتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی نیز در سخنانی مترجمان را پلی میان فرهنگ های مختلف دانست و گفت: بار سنگین و مسئولیت حساسی روی دوش مترجمان قرار دارد و آن ها باید زبان و معنای اثر را هنگام ترجمه به زبان دیگری انتقال دهند. استادان فن اتفاق نظر دارند که انتقال کامل معنا امری محالی است. بنابراین،



خادم

ترجمه نیلوفر صادقی از رمان «در امریکا» نوشته سوزان سانتاگ به عنوان برگزیده هفتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی معرفی شد.

هیئت داوران این دوره متشکل از ضیاء موحد، مهستی بحرینی،عبدا.. کوثری،حسین معصومی همدانی، موسی اسوار،امید طیبب زاده، ابوالفضل حرّی و آبتین گلکار،برگردان ابوالفضل...ا...دادی از رمان،باغ های تسلا، نوشته پریسارضا رانیز شایسته تشویق دانستند.

هر دو اثر را نشر برج منتشر کرده است.

جایزه ویژه هیئت داوران این دوره نیز به پاس کارنامه پربکر و بار در عرصه ترجمه، به مهشید میرمعزی تعلق گرفت. آنچه در ادامه می آید گزیده ای از سخنان سخنرانان این مراسم است

● در جایزه کتاب سال جایزه‌ای برای ترجمه ادبیات جهان نداریم

علی اصغر محمد خانی، معاون فرهنگی مؤسسه شهر کتاب در مراسم پایانی هفتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی که سه شنبه، ۲۴ بهمن ماه برگزار شد، پس از یادکردن از ابوالحسن نجفی و نقش تأثیرگذار او برای زبان و ادبیات فارسی گفت: ما برای یادبود ایشان و اینکه نسل جدید مترجمان با چگونگی کارهای نجفی آشنا شوند و همچنین معرفی مترجمان برجسته در میان جوانان، این جایزه را بنا گذاشتیم.

او با اشاره به اینکه ادبیات جهان از پرخونده ترین و پرفروش ترین کتاب هادر بازار کتاب ایران است،گفت: متأسفانه نهادهای دولتی به ادبیات جهان کم توجه هستند. در جایزه کتاب سال، کتاب تشویق شده و برگزیده ای در این حوزه نداریم. جایزه و نشان ابوالحسن نجفی توانسته است بخشی از کارهای خوبی را که به قلم مترجمان جوان منتشر می شود، به جامعه معرفی کند.

● مترجمان در ایران مفاهیم جدید را وارد زبان می کنند امید طیبب زاده، استاد زبان و ادب فارسی و از داوران جایزه ابوالحسن نجفی نیز در این مراسم در سخنانی درباره اهمیت کار مترجم در ایران گفت: در فرهنگ های اروپایی برخی از مفاهیم وجود دارد و نیاز نیست مفاهیم رای به وجود بیاورند، اما هرمانی که ترجمه می شود مفهومی را به زبان فارسی می آورد که قبل نبوده و همین است که شان کار مترجم را در زبان فارسی بیشتر می کند. در حدی که نام مترجم هم اندازه نام نویسنده می آید، در حالی که در غرب نام مترجم را روی جلد نمی آورند.

● طالبان پس از به قدرت رسیدن در مواجهه با مردم افغانستان همان مسیر سرکوب و خفقان را که در دوره اول حکومت خود در پیش گرفته بودند، تکرار کردند. محروم کردن دختران و زنان از مدارس، محل کار و حتی زندگی اجتماعی به علاوه سرکوب هزاره ها و شیعیان و برخورد همه جانبه با زبان فارسی به شمول جمع آوری کتاب هایی که به این زبان نوشته شده اند، تنها قسمتی نمونه خروار از افغانستان پس از بازگشت طالبان به قدرت است. چرا طالبان سر ستیز با زبان فارسی دارد؟ از دست کشورهای همسایه و به ویژه هم زبان با افغانستان برای مقابله با چنین سیاستی چه کاری ساخته است؟ مقاومت فرهنگی در کنار مقاومت نظامی در برابر طالبان از چه ظرفیت هایی برای تحت فشار قرار دادن این گروه برخوردار است؟

واین ها پرسش هایی هستند که روزنامه شرق از شمس الحق آریانفر، مسؤل دفتر فرهنگی بنیاد مسعود، پرسیده است. آنچه در ادامه می آید بخشی از این گفت وگوست.

● چرا معتقد هستید طالبان با زبان فارسی سر دشمنی دارند؟ چرا باید با این زبان مشکل داشته باشند؟

دشمنی با زبان فارسی، فرهنگ فارسی و هر چه به فارسی و فارسی زبان ها تعلق دارد، برنامه طالبان است. یکی از دلایل این ستیز طالبان با زبان فارسی این است که فارسی نقطه پیوند کشورهای منطقه با یکدیگر است. فارسی در افغانستان با ایران یگانگی دارد و طالبان نخستین مسئولیتی که برای خود تعریف کرده، قطع این حلقه پیوند و اتصال منطقه ای است. آن ها می خواهند از افغانستان جزیره ای بسازند که با دیگر کشورها به منطقه هیچ پیوند و اتصالی نداشته باشد و از این جزیره به عنوان یک مرکز تروریستی علیه همین کشورهای منطقه استفاده کنند. اگر مردم در افغانستان علایق مشترک زبانی، تاریخی و فرهنگی با دیگر کشورهای منطقه داشته باشند، کار برای قدرت های استعماری برای استفاده از افغانستان سخت خواهد شد؛ بنابراین آن ها گروهی را در افغانستان در رأس امور گذاشته اند که بیشترین دشمنی را با زبان فارسی دارند و در حالی که ادعا می کنند مسلمان هستند، اما اتفاقا با مسلمانان

و مقاومت در برابر طالبان راهی نداریم، یک نوع مبارزه و مقاومت مسلحانه است و نوع دیگر هم مقاومت فرهنگی و علمی است که ما در حال تمرین همین مقاومت هستیم.

● امروز مردم در داخل افغانستان با بحران امنیتی، اقتصادی و حتی اجتماعی وسیعی روبه رو هستند؛ در چنین شرایطی محافظت از زبان فارسی تا چه اندازه در اولویت آن ها قرار دارد؟

[...]بله مردم در افغانستان گرسنه هستند، اما دغدغه اصلی آن ها این است که زبان و فرهنگ ما در حال نابودی است و باید آن را نجات بدهیم. در چنین شرایطی می بینیم که یک هماهنگی کامل در داخل و خارج از افغانستان برای پاسداری از زبان فارسی و فرهنگ وجود دارد. در افغانستان خشونت بی حدوحصری در جریان است ومخالفان ومنتقدان طالبان بدون پرس وجو همه سرکوب می شوند. در افغانستان به شکل سنتی کسی به زبان در بیرون از خانه بی حرمتی نمی کند، اما

اکنون طالبان روزانه صدها دختر را در خیابان ها بازداشت می کند و می برد. این روزها در افغانستان شاهد این پدیده بی سابقه هستیم که افراد را به همراه خانواده های آن ها بازداشت می کنند. برای مثال، اگر دختری را به دلیل اعتراض او به وضعیت زنان بازداشت کنند، همین سرنوشت در انتظار همسر و فرزندان و وابستگان او هم خواهد بود. در افغانستان آمار خودکشی دختران بسیار بالاست و بسیاری از آن ها هم ناپدید شده اند؛ این در حالی است که کشوری همچون آمریکا نقض حقوق زنان را در کشورهایی که بخواهد بزرگ می کند و به آن واکنش نشان می دهد، اما در کشوری مانند افغانستان صدها دختر و زن روزانه آزار می بینند و صدایی بلند نمی شود. برنامه آمریکا برای طالبان این است که از این گروه برای

●

